



سازوکارهای وحدت امت اسلامی در سیره امام علی(ع)

دکتر احمد مبلقی نوشت: اگرچه ممکن است عمل یا سخنی در یک مقطع زمانی خاص باعث تفرقه و آسیب رسانی به وحدت جامعه نشود ولی ممکن است به دلیل بازتاب در تاریخ در آینده مشکلاتی را فراهم آورد.

دکتر احمد مبلقی نوشت: اگرچه ممکن است عمل یا سخنی در یک مقطع زمانی خاص باعث تفرقه و آسیب رسانی به وحدت جامعه نشود ولی ممکن است به دلیل بازتاب در تاریخ در آینده مشکلاتی را فراهم آورد. به گزارش خبرگزاری مهر، یادداشتی از دکتر احمد مبلقی در مورد سازوکارهای وحدت امت اسلامی در سیره امام علی(ع) در پی می آید.

با یک نگاه ابتدایی می توان فهمید که امام علی(ع) در حساس ترین شرایط شکل گیری تاریخ اسلام، به امت اسلامی می اندیشید، و در پی تأمین و تضمین عناصر «تشکیل و بقای امت واحده» بود. آنچه مایه تاسف است این که ما در جهت شناخت ابعاد این نقش تاریخی، مطالعه ای سامان یافته و در خور را به انجام نرسانده ایم. روح تعاملی حضرت بر پایه نگاه امت محور قرآن شکل گرفته بود، در نتیجه به شیوه های گسترده و گوناگون برای دست یابی به وحدت تمسک می جست. مهم این است بدانیم که امام (ع) با چه سازو کاری به تحقق وحدت روی آورده بود. بحث در این زمینه را جدی باید گرفت، در عین حال می توان به عنوان یک بحث مقدماتی، پنج شیوه را به حضرت نسبت داد که با تکیه بر آن ها حرکت وحدت خواهانه خود را دنبال می کرده است. این شیوه ها عبارت بودند از:

برش ندادن به جامعه بر اساس مرزهای اعتقادی

اگر چه خود امام (ع) محور تشیع بودند و تشیع با اعتقاد به حضرت (ع) معنا و مفهوم پیدا می کرد، اما این معیار و محور و اصل تشیع، بیشترین تعامل را با کسانی که شیعه نبودند داشت، و ارتباطی حداکثری با آنان را به صورت همه جانبه پی می گرفت. به بیان دیگر حضرت با زیستن و بودن میان اهل سنت، گسترده ترین، پویاترین و زنده ترین مواجهه و گفت و گو را با آنان شکل داد.

امام (ع) امامت جامعه ای را می پذیرد که بیشترین افراد آن جامعه شیعه نبودند. همین امر نشان می دهد که حضرت چگونه با جامعه خود مواجهه داشت و با وجود اختلاف ها می توانست جامعه خود را هدایت کند.

البته حضرت (ع) در عین حال و بر پایه نصوص قرآنی و تاکیدات پیامبر (ص) درصدد شناساندن عصمت اهل بیت و مرجعیت علمی ایشان و شناساندن حقوق خود در عرصه های سیاسی و اجتماعی نیز بود؛ اما همه این تلاش ها را در قالبی تلطیف شده و به صورتی ظریف و صرفاً در چارچوب یک جریان فکری و اعتقادی قرآنی پی می گرفت به نحوی که ذره ای به وحدت امت اسلامی آسیب نخورد. این یک درس بزرگ است؛ چون وقتی اصول و مبانی تشیع این گونه با ظرافت عرضه می شود، به طریق اولی حضور تشیع در سطح جهان اسلام باید حضوری ظریف و حساب شده باشد. یعنی به سمت تعاملی وحدت خواهانه حرکت کند؛ به تعبیر دیگر ما شیعیان باید هوشیار باشیم و در عین این که به شیعه گری خود به عنوان یک مذهب قوی و جدی که حرف ها و پیام های بسیار دارد، پابندی نشان دهیم، تعامل با اهل سنت را هم به صورت حد اکثری، جدی و واقعی دنبال کنیم و تلاش کنیم که نه تنها اصل امت اسلامی آسیب نبیند که تقویت هم بشود.

به هر حال رویکرد امام (ع) نشان می دهد که وضعیت طبیعی جامعه اسلامی، فارغ از مرزهای اعتقادی مذهب ساز، حرکت بر اساس وحدت و یکپارچگی است.

در پیش گرفتن تعاملی چند لایه و انعطاف پذیر

در زمان حضرت، اگر چه جریان اصیل شیعی وجود داشت و حضرت به عنوان امام معصوم آن ها را رهبری می نمود، اما جریان دیگری هم بود که باید از آن به عنوان شیعه سیاسی یاد کرد. مجال دهی به این جریان جهت حضور در کنار امام(ع) حقیقت غیر قابل انکار تاریخی است. این نشان می دهد که حضرت راه نیل به وحدت اسلامی را در جامعه در به پیش گرفتن تعاملی چند لایه و انعطاف پذیر می دیده ، و سطوح مختلف فکری را به صورتی حداکثری کنار هم جای می داده است. رفتار خوب حضرت با آنان، باعث شد که بعدها بسیاری از آن ها به جریان اصیل شیعی گرایش پیدا کنند.

تطبیق آیه انما المؤمنون اخوة بر جامعه

وحدتی که امام (ع) جامعه را به آن فرا می خواند، نه وحدتی صوری و تعارفی، که وحدتی با جانمایه «برادری دینی» بود. در نهج البلاغه می خوانیم: حضرت در خطاب به جامعه آن روز - که متشکل از شیعه و سنی بود - فرمود: «انما انتم اخوان علی دین الله» شما بر اساس دین خدا برادران یکدیگر هستید. این سخن بی هر گونه تردیدی تفسیر آیه «انماالمؤمنون اخوة» بود. بر پایه این آموزه شفاف، رابطه «اتباع مذاهب مختلف» در قبال هم باید رابطه ای مبتنی بر برادری ایمانی باشد.

تقویت مشی اعتدالی

امام (ع) همیشه می کوشیدند پایه های جامعه اسلامی فرو نریزد و مشی اعتدالی جای خود را به تندروی نسپارد.

ایجاد و تقویت روندها و زمینه های همکاری

امام (ع) در هر شرایطی و حتی در آن هنگام که در راس امور نبود از هیچ گونه مساعدت و همکاری نسبت به جامعه دریغ نوزید و در ایجاد و تقویت روندهای درست، عالمانه، فقه مدارانه و صلاح جویانه در جامعه، فعالیتی آشکار و رویکردی برجسته را دنبال نمود. تلاش های حضرت برای شکل گیری نظام قضایی حتی در وقتی که رهبری را بر عهده نداشتند- نشانه ای واضح بر این مدعاست. این همکاری با جامعه و اولویت بخشیدن به آن امری است که می تواند راهنمای عمل ما قرار گیرد.

آینده نگری بر پایه امت محوری

عمق وحدت خواهی امام را می توان در نگاه او به آینده مشاهده نمود. حرکت امام در چارچوب نگاه امت محور باعث می شد که حضرت (ع) به بازتاب رفتار و سخنان در تاریخ هم توجه داشته باشد. یعنی حضرت توجه داشت که اگرچه ممکن است، عمل یا سخنی در یک مقطع زمانی خاص باعث تفرقه و آسیب رسانی به وحدت جامعه نشود؛ ولی ممکن است به دلیل بازتاب در تاریخ در آینده مشکلاتی را فراهم آورد؛ لذا از انجام آن عمل یا سخن پرهیز می کردند. امام در این حال نگاهی هوشمندانه به پیکره جامعه و مسیر امت داشت و رفتاری دوراندیشانه را دنبال می نمود. به تعبیر دیگر با یک آینده نگری ژرف که در بعضی از روایات هم منعکس است؛ درصدد اصلاح امور بودند. در این حال کسانی هم بودند که با حضرت جنگ و ستیز داشتند، ولی حضرت با آن ها هم یک رفتار متوازن را پی می گرفتند؛ تا بهانه ای برای تفرقه و انشقاق به وجود نیاید.

تأکید بر هویت اسلامی

این که شیعه و سنی از شخصی مثل حضرت امیر(ع) که عامل وحدت در جامعه بود و بیشترین تاثیر را در وحدت بخشی امت اسلامی داشت عاملی برای اختلاف بسازند، خود موضوع قابل تاملی است. می دانیم که اگر اقدامات حضرت نبود، با وجود جنگ هایی هم که رخ داد، امت اسلامی وضعیت بسیار بحرانی پیدا می کرد. در واقع کوشش های حضرت بود که به جامعه اسلامی یکپارچگی و انسجام بخشید. در این حال اگر ما بیاییم و حضرت را محور اختلافات قراردهیم، کاری نکرده ایم جز دور شدن از آموزه ها و تلاش های ایشان.

البته از دیدگاه ما تشیع مذهب برحق است و ریشه های قرآنی و غیر قابل انکار دارد، چنان که امام علی (ع) هم خود را برحق می دانست، ولی سخن در این است که اعتقاد به حق بودن مانعی بر سر راه عمل به وحدت اسلامی نمی شود. به تعبیر دیگر در عین اعتقاد به برحق بودن خود، می توانیم به اندیشه امت اسلامی نیز اعتقاد پیدا کنیم و نیز می توانیم درک کنیم که هویتی به نام اهل سنت موجودیت عینی دارد. شیعه و سنی دو هویت موجود هستند، در تاریخ هم وجود داشته اند. این دو هویت می توانند و باید در کنار همدیگر باشند، بی آن که همدیگر را نفی کنند.

نگاه های افراطی، همزیستی میان هویت ها را ناممکن معرفی می کند و متأسفانه امروز وهابیت با همه امکانات خود اندیشه عدم امکان همزیستی میان شیعه و سنی را به شدت پی می گیرد و سعی بر نفی شیعه که هویت بزرگ و غیر قابل انکاری دارد گرفته است. در طول تاریخ نگاهی افراطی از این دست، شرایط را به گونه ای پیش بردند که هر هویت خود را در نفی دیگری تعریف کند. درحالی که اساساً این گونه نیست و معنای امت این است که وحدت و همزیستی میان مسلمانان برقرار گردد، حتی اگر هویت های مذهبی شکل گرفته باشد. مشکل این است که در کنار هویت های شیعی و سنی هویت اسلامی شکل نگرفته است؛ یعنی هویت ثالثی که فراگیر است و مثل یک چتر عمل هویت های درونی را در بر می گیرد و آن ها را برای مباحثه و حواری علمی - و نه کشمکش عملی - مجال می دهد.

فقدان هویت اسلامی علت شکل گیری اختلافات و افراطی شدن رویارویی هاست. احساس مشترک هویت اسلامی عامل وحدت بخش در جامعه است.

علت عدم شکل گیری هویت اسلامی هم وجود تعصب هاست. تعصب های مذاهب باعث شده که هویت اسلامی کم رنگ شود و هویت ها در رویاروی یکدیگر قرار گیرند. آن چه که جامعه اسلامی به آن نیاز دارد، هویت اسلامی است آن هم به طریقی که بتواند پذیرای هویت های خاص تر باشد.